

بررسی تطبیقی آیین‌های پیمان در نسخ اسطوره‌ای شاهنامه و ایلید و ادیسه (با تأکید بر تصاویر آیین در نسخ)

آثار ادبی کهن در جوامع مختلف نموداری از مجموعه داشته‌های فرهنگی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از نکات فرهنگی و اجتماعی موجود در این آثار به هم شباهت‌هایی دارد. در ایران، کتاب شاهنامه و در یونان، کتاب ایلید و ادیسه از منابع کهن ادبی هستند. بررسی تطبیقی آیین‌های پیمان و آگاهی از وجود شباهت و تفاوت در این آثار، مسئله‌ای است که این پژوهش دنبال می‌کند. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که پیمان و لزوم پایبندی به آن از اهمیت فراوانی در شاهنامه و ایلید و ادیسه برخوردار بوده است. از جمله این عناصر مشترک، وجوب عقوبت تلخ پیمان‌شکنان در روز رستاخیز، حضور شاهد و گواه در هر پیمان، دادن نوعی «نشانه» به یکدیگر است که بر متعهد و وفادار بودن دو طرف پیمان دلالت دارد، گاهی انسانی به‌عنوان گروگان و در مواقعی سلاح و ابزار جنگی و یا یک حلقه (گل) یا انگشتر این نقش را بر عهده دارند. همچنین آیین‌هایی نظیر قربانی کردن و دست دادن در هنگام پیمان بستن در میان این اقوام رایج و مشترک است. البته نحوه انعقاد پیمان و همچنین اشکال آن در این دو اثر دقیقاً مطابق همدیگر نبوده است؛ از جمله، جرعه‌افشانی یکی از آداب است که در ایلید و ادیسه به آن اشاره شده اما در شاهنامه هیچ نشانه‌ای از آن دیده نمی‌شود.

اهداف پژوهش:

۱. تطبیق آیین‌های پیمان در شاهنامه و ایلید و ادیسه.
۲. بررسی تصاویر مربوط به آیین پیمان در نسخ مصور.

سوالات پژوهش:

۱. آیین‌های پیمان چه جایگاهی در نسخ شاهنامه و ایلید و ادیسه دارد؟
۲. آیین پیمان چگونه در نسخ مصور ادبی بازتاب یافته است؟

کلیدواژه‌ها: پیمان و پیمان‌داری، شاهنامه فردوسی، ایلید و ادیسه هومر، سوگند، عناصر طبیعت.

مقدمه

اساطیر و آثار حماسی هر ملت، ذخیره و میراث تمدنی ارزشمندی است که منشأ باورها و عقاید و اندیشه‌های آن ملت است. جوهره باورها و جهان‌بینی امروز هر ملت، ریشه در اساطیر آن ملت دارد و هر ملتی که دارای پیشینه اساطیری غنی‌تری بوده باشد، فرهنگ و باورهای به نسبت غنی‌تر و اصیل‌تری در دوران معاصر دارد. موضوع تشابه آثار حماسی ملل از حیث فرم و محتوا همواره مورد بحث پژوهشگران قرار گرفته و وجود شباهت چشمگیر در این آثار در قالب تحقیقات مختلف به اثبات رسیده است. اکثر پژوهش‌های یادشده، وجود اشتراکات برجسته در آثار حماسی ملل مختلف را در آمیختگی اساطیر ملت‌های گوناگون و تأثیرپذیری آن‌ها و همچنین تلفیق فرهنگی و اجتماعی بین ملل مختلف از جمله ایرانیان و یونانیان جستجو کرده‌اند. در این میان، اخلاق و پایبندی به اصول اخلاقی یکی از وجوه مشترک آثار حماسی است؛ و از جمله، شخصیت‌های قهرمان در این‌گونه آثار نماد و الگوی تعهد و اخلاق‌مداری هستند. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در آثار حماسی ملل مشاهده می‌شود، بحث پیمان و پایبندی به آن است، به گونه‌ای که در اکثر آثار حماسی، پایبندی و تعهد نسبت به پیمان، از خطوط قرمز شخصیت‌ها محسوب می‌شود و گاه تا جایی اهمیت پیدا می‌کند که عدم پایبندی به پیمان در زمره تابوها جای می‌گیرد.

بحث پیمان و پایبندی به آن در شاهنامه فردوسی نیز نمود بارزی دارد و به‌ویژه شخصیت‌های قهرمان داستان‌ها همواره تا پای جان به پیمان‌های خود وفادار می‌مانند و صحنه‌های زیبایی از این فضیلت اخلاقی در شاهکار فردوسی دیده می‌شود. البته موضوع پیمان و پیمان‌داری مختص آثار حماسی یک سرزمین نیست و این فضیلت اخلاقی از فصول مشترک آثار حماسی و اساطیری است. علاوه بر شاهنامه، در آثار حماسی ملل دیگر نیز این موضوع نمود یافته است. به‌عنوان نمونه، در ایلیاد و اودیسه هومر نیز بحث پیمان و پیمان‌داری به همراه آداب و رسوم و اشکال مختلف آن بارها مطرح شده و شخصیت‌های این اثر حماسی خود را ملزم به پایبندی به پیمان می‌دانند. پایبندی به عهد و پیمان ریشه در جوانمردی دارد؛ شخصیت‌های مثبت آثار حماسی نیز همواره به عیاری و جوانمردی و دفاع از ضعفا می‌پردازند و رادمردی راستین به دور از غرور و خودبینی را به نمایش می‌گذارند. وجوه تشابه آثار حماسی از حیث پایبندی شخصیت‌ها به پیمان و پیمان‌داری باعث شد تا در این پژوهش که از نوع تحلیلی-توصیفی و به روش کتابخانه‌ای و سندپژوهی است، به بررسی تطبیقی این موضوع در شاهنامه فردوسی و ایلیاد و اودیسه هومر بپردازیم. در خصوص پیشینه پژوهش باید گفت که وجوه اشتراک شاهنامه و ایلیاد و اودیسه بارها در پژوهش‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است اما بحث پیمان و پیمان‌داری تاکنون در پژوهش مستقلی میان این دو اثر حماسی و اسطورهای مقایسه و تحلیل نشده و این مقاله، قدم اول در این راستاست.

در خصوص واژگان عهد، پیمان، قرارداد و ضمان که همه در یک معنی مترادف هستند مقاله مدون یا مطلب جامعی یافت نشد. با این حال، از بین مقالات تدوین شده می‌توان به مواردی اشاره کرد: حجت‌الله اسماعیل‌نیا گنجی و دیگران (۱۳۹۶) در تحقیقی به نام «بررسی تطبیقی سوگند و نیایش در شاهنامه فردوسی و ایلیاد و اودیسه هومر» به بررسی این موضوع پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که حماسه هومر از لحاظ معتقدات دینی و باورهای مذهبی در مراحل اولیه تکامل اندیشگی بشری قرار دارد؛ و در حالی که شاهنامه از بینش کامل‌تر و پخته‌تری در این زمینه

برخوردار است. حسام‌پور و ندهقانی (۱۳۸۷)، نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تحلیلی گونه‌های پیمان و سوگند در شاهنامه فردوسی» به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. در این مقاله جایگاه عهد و پیمان در متون ایران باستان و بازتاب آن با تأکید بر جنبه‌های اجتماعی، در شاهنامه‌ی فردوسی با روش تحلیلی بررسی شده است. از آنجا که بخش جدایی‌ناپذیر بسیاری از پیمان‌های شاهنامه سوگند است و پیوند بسیار نزدیکی میان این دو پدیده می‌شود سوگندهای موجود در شاهنامه و همچنین مقدسات یاد شده در هر یک از پیمان‌ها واکاوی می‌شود.

دشتی و رضایی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای به بررسی ساختار پیمان‌ها در آثار حماسی و پیوند آن با باورهای اسطوره‌ای و دینی پرداختند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که آدابی مانند قربانی کردن، جرعه‌افشانی، حضور شاهد و حضور دو عنصر مقدس آب و آتش و فشردن دست در هنگام پیمان بستن، اجزای مشترک پیمان‌ها بوده است. سپس با در کنار هم قراردادن همین آداب و عناصر مشترک به الگوهای یکسان و نزدیک به هم می‌رسیم که در بیشتر پیمان‌ها رعایت می‌شود. مقایسه این الگوها و آداب مشترک با باورهای اساطیری و دینی اقوام هند و اروپایی مشخص می‌سازد که ساختار پیمان‌ها با ساختار و باورهای آیین میترائیسم (ایزد پیمان) پیوندی بسیار نزدیک دارد. جلالی (۱۳۹۴) در تحقیقی با موضوع پژوهش فرهنگ پیمان و پیمان‌داری در شاهنامه و متون اوستایی و پهلوی پرداختند. در این تحقیق به بررسی پیمان و پیمان‌داری به‌عنوان یکی از باورهای ایران باستان که به‌گونه‌ای مشترک در شاهنامه، اوستا و متون پهلوی آمده، پرداخته شده و بر این نکته تأکید گردیده که شاهنامه، پژوهش و پالوده فرهنگ ایران باستان و استوارترین سند هویت فرهنگی ایرانیان کهن است. مستندات آن، شواهد بسیاری است که در متون دیگر پیش از فردوسی و هم عصر او آمده است. رحیمی و پناهی (۱۳۸۶) در تحقیقی به نام «پیمان و پیمان‌داری در شاهنامه فردوسی» و همچنین حاجیوند (۱۳۹۷) در تحقیق خود به «نام پیمان‌شکنی در شاهنامه فردوسی» به این موضوع نیز پرداختند. در تحقیقات گذشته بیشتر روی سوگند و پیمان، ساختار پیمان و پیمان‌داری در شاهنامه تحقیق شده و از مقایسه آن با دیوان‌های شاعران کمتر سخن رفته است. دکتر ندوشن برخی شباهت‌های موجود در شاهنامه و ایللیاد و ادیسه را در مقاله‌ای آورده ولی در خصوص واژگان عهد، پیمان، قرارداد و ضمان که همه در یک معنی مترادف هستند مقاله مدونی یافت نشد.

این مقاله به شیوه تحلیل محتواست. سیر ترتیبی انجام پژوهش به این صورت است که ابتدا با مراجعه به جامعه آماری پژوهش یعنی شاهنامه و ایللیاد و ادیسه، مطالب و ابیات مرتبط با پیمان و پیمان‌داری را یادداشت‌برداری شد. سپس با اتکا به پیشینه مطالعاتی و همچنین منابع مرتبط با موضوع پیمان در آثار حماسی، به تجزیه و تحلیل یادداشت‌ها با رویکرد تطبیقی اقدام شد؛ در نهایت، نتایج حاصل از پژوهش را به صورت مقایسه‌ای به دست داده‌ایم.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش بیانگر آن است که پیمان و پیمان‌داری از وجوه مشترک آداب و رسوم اقوام در دوران باستان است که در آثار مکتوب حماسی و اساطیری نیز با تمام جزئیاتش انعکاس یافته است. از همین رو، مقایسه پیمان‌ها در شاهنامه و ایللیاد و ادیسه نشان‌دهنده اجزا و عناصری مشترک در ساختار پیمان‌هاست که همین آداب و عناصر مشترک ما را به الگویی واحد در ساختار پیمان‌های اقوام هند و اروپایی می‌رساند. از جمله این عناصر مشترک، وجوب عقوبت تلخ

پیمان‌شکنان در روز رستاخیز است که هم در شاهنامه و هم در ایللیاد و اودیسه به این موضوع اشاره مؤکد شده‌است. در شاهنامه کم نیستند پهلوانانی که به زیور پیمان‌داری زبیده‌اند، از آن جمله: رستم، سیاوش، اسفندیار، سام و... و نیز پیمان‌شکنانی چون کاووس، گشتاسب، پیروز و افراسیاب که به پادافره پیمان‌شکنی، گرفتار می‌شوند.

از وجوه مشترک دیگر، حضور شاهد و گواه در هر پیمانی است که سبب تحکیم و افزایش اعتبار آن می‌شود. این شهود در یونان ایزدان پیمان یعنی زئوس و آپولون هستند و ایران گاهی موبدان/ دین‌یاران و گاهی هم عناصر مقدسی مانند آب (آناهیتا/ ورونه) و آتش (آگنی/ آذر) است که بر درستی پیمان‌ها نظارت می‌کنند. آداب مشترک دیگر، دادن نوعی «نشانه» به یکدیگر است که بر متعهد و وفادار بودن دو طرف پیمان دلالت دارد. گاهی انسانی به‌عنوان گروگان و در مواقعی سلاح و ابزار جنگی و یا یک حلقه (گل) یا انگشتر این نقش را بر عهده دارند. هم‌چنین آیین‌هایی نظیر قربانی‌کردن، جرعه‌افشانی کردن و دست‌دادن در هنگام پیمان بستن در میان این اقوام رایج و مشترک است. مقایسه این الگوها با باورهای اسطوره‌ای و دینی نشان می‌دهد که ساختار و آداب مشترک پیمان‌ها با باورهای مذهبی آن‌ها به‌ویژه با آیین‌های مربوط به میترائیسم پیوندی بسیار نزدیک دارد. در حقیقت این ایزد مقدس پیمان (میترا/ مهر/ خورشید و...) است که سازه و ساختار انواع پیمان‌ها را شکل می‌دهد. در مجموع، «عهد و پیمان» در فرهنگ ایرانیان کهن، از ارج و ارزش بسیار برخوردار بود و چنان در خور حرمت بود که گاه حاضر می‌شدند جان خویش را بر سر نگاهداشت آن بگذارند. این موضوع در ایللیاد و اودیسه هومر نیز نمود یافته است. در نمودار زیر وجوه مشابه پیمان در دو اثر شاهنامه و ایللیاد و اودیسه نشان داده شده است.

منابع

کتاب‌ها

- آموزگار، ژاله. (۱۳۸۶). تاریخ اساطیری ایران. تهران: سمت.
- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم. (۱۳۹۳). اسطوره بیان نمادین. تهران: سروش.
- اسماعیل‌نیا گنجی، حجت‌الله؛ فرصتی جویباری، رضا و پاشا پاسندی، حسینعلی. (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی سوگند و نیایش در شاهنامه فردوسی و ایللیاد و اودیسه هومر». فصل‌نامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شماره ۱۲، صص ۲۲-۱۲.
- الیاده، میرچا. (۱۳۸۶). چشم‌اندازهای اسطوره، ترجمه: جلال ستاری، تهران: توس.
- باقری، مهری. (۱۳۹۳). دین‌های ایران باستان. تهران: قطره.
- برن، لوسیلا. (۱۳۹۲). اسطوره‌های یونانی. ترجمه: عباس مخبر، تهران: مرکز.
- بنونیست، امیل. (۱۳۷۷). دین ایرانی بر پایه متن‌های معتبر یونانی. ترجمه: بهمن سرکاراتی، تهران: قطره.
- بویس، مری. (۱۳۷۴). تاریخ کیش زردشت. ترجمه: همایون صنعتی‌زاده، تهران: توس.
- بهار، مهرداد. (۱۳۵۲). اساطیر ایران، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- پادشاه، محمد (شاد). (۱۳۳۵). فرهنگ آندراج. زیر نظر: محمد دبیر سیاقی، جلد یکم، تهران: کتابخانه خیام.
- پورداود، ابراهیم. (۱۳۷۷). یشتها. ج ۱ و ج ۲، تهران: اساطیر.

- پورخالقی، مهدخت و دیگران. (۱۳۹۱). «بررسی نقش پادافره پیمان‌شکنی در ماجرای اسفندیار». ادب پژوهی، ش ۱۹، صص ۱۰۵-۱۲۰.
- جلالی، حسین. (۱۳۹۴). «پژواک فرهنگ پیمان و پیمان‌داری در شاهنامه و متون اوستایی و پهلوی». فصل‌نامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شماره ۶، صص ۱۹۶-۱۸۱.
- جمالی، کامران. (۱۳۶۸). فردوسی و هومر. تهران: انتشارات اسپرک.
- حاجیوند، مرضیه. (۱۳۹۷). پیمان‌شکنی در شاهنامه فردوسی. تهران: ناشر نیوشه.
- حسام‌پور، سعید و دیگران. (۱۳۸۷). «بررسی تحلیلی گونه‌های پیمان و سوگند در شاهنامه فردوسی». پژوهش‌نامه ادب غنایی، ش ۱۱، صص ۳۷-۶۶.
- حیدری، دریا. (۱۳۹۲). «سوگند در شاهنامه و ارتباط اساطیری آن با آب و آتش». پژوهش‌نامه ادب حماسی، ش ۱۶، صص ۳۵-۶۶.
- رحیمی، سیدمهدی و پناهی، نعمت‌الله. (۱۳۸۶). «پیمان و پیمان‌داری در شاهنامه فردوسی». نشریه کهن‌نامه ادب پارسی، جلد ۱۲.
- رضی، هاشم. (۱۳۸۱). فرهنگ اعلام اوستا. چاپ سوم، تهران: انتشارات فروهر.
- دشتی، نصرالله؛ رضایی، مهدی. (۱۳۹۶). «بررسی ساختار پیمان‌ها در آثار حماسی و پیوند آن با باورهای اسطوره‌های و دینی». پژوهش‌نامه ادب حماسی، ش ۱(۲۷)، صص ۱۴۷-۱۱۹.
- دوستخواه، جلیل. (۱۳۹۲). گزارشی از اوستا. ج ۱ و ۲، تهران: مروارید.
- دومزیل، ژرژ. (۱۳۸۳). سرنوشت شهریار. ترجمه: شیرین مختاریان و مهدی باقی، تهران: قصه.
- غلامپور دهکی، سکینه؛ رضایی، احترام. (۱۳۹۵). «بررسی و تحلیل سبک فکری و محتوایی سه آیین فردوسی آیین شاهنامه با ایلیداد و ادیسه هومر». تاریخ ادبیات، ش ۸۰، صص ۱۶۰-۱۳۱.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۶۸). شاهنامه. به تصحیح ژول مول، ج ۱ تا ۴، چ ۵، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- گرین، ویلفرد و همکاران. (۱۳۹۲). مبانی نقد ادبی. ترجمه: فرزانه طاهری، تهران: نشر نیلوفر.
- هومر. (۱۳۸۶). ادیسه. ترجمه: سعید نفیسی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- محمدعلی، ندوشن. (بی‌تا). شاهنامه و هومر، تهران: روزنامه اطلاعات.
- ناشناس. (۱۳۹۰). زبان. فرهنگ، اسطوره، تهران: معین.
- ناشناس. (۱۳۸۹). رساله در تاریخ ادیان. ترجمه: جلال ستاری، تهران: سروش.
- ناشناس. (۱۳۶۲). پژوهشی در اساطیر ایرانی. تهران: انتشارات توس.
- ناشناس. (۱۳۸۹). ایلیداد. ترجمه: سعید نفیسی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ناشناس. (۱۳۲۱). «سوگند». مجله مهر، ش ۷۵ - ۷۶، صص ۲۹۲-۲۸۱.
- ناشناس. (۱۳۶۸). اسطوره، بیانی فلسفی یا استدلالی تمثیلی. مجله ادبستان، شماره ۲.